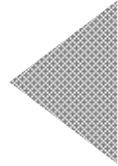


# تأثیر همکاری‌های اجتماعی بر رشد اقتصادی



پروانه سلاطین<sup>۱</sup>

ملورین دانش پناه<sup>۲</sup>

سمانه محمدی<sup>۳</sup>

(تاریخ دریافت ۹۵/۱۱/۹ - تاریخ تصویب ۹۶/۳/۱۰)

## چکیده

امروزه در کنار سرمایه‌های انسانی، مالی و اقتصادی یک عامل تولید دیگر به نام سرمایه اجتماعی مورد توجه است. این مفهوم به پیوندها و ارتباطات میان اعضای یک شبکه به عنوان منبع با ارزش اشاره دارد که با خلق هنجارها و اعتماد متقابل موجب تحقق اهداف اعضا می‌شود. دولت‌ها در اجرای برنامه‌های اقتصادی به شدت به همکاری عموم مردم به خصوص نخبگان جامعه نیاز دارند؛ چرا که همراهی نخبگان جامعه و کارگزاران اقتصادی در اجرای سیاست‌های اقتصادی دولت فرآیند رسیدن به اهداف برنامه را تسریع نموده و بازخوردهایی که نخبگان جامعه به برنامه‌های اقتصادی دولت نشان می‌دهند، می‌تواند منجر به اصلاح نقاط ضعف برنامه‌های دولت شود و کارآیی عملکرد دولت را افزایش دهد. از سوی دیگر اعتماد مردم به حاکمیت، مشارکت آنها را در اجرای برنامه‌های دولت و پشتیبانی سیاسی از دولت افزایش

۱- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد فیروز کوه، گروه اقتصاد، فیروز کوه (نویسنده مسئول)، p\_salatin@iauec.ac.ir

۲- کارشناس ارشد اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد فیروز کوه، melorin200us@yahoo.com

۳- کارشناس ارشد اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد فیروز کوه، samanehmohammadi1392@gmail.com

می‌دهد، به طوری که هر چه مشارکت و همکاری مردم با دولت بیشتر باشد، دولت می‌تواند با اتکا به مردم برنامه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خود را با تأثیرگذاری بیشتری به سرانجام برساند. در این راستا هدف اصلی این مقاله بررسی میزان تأثیرگذاری همکاری‌های اجتماعی (به عنوان شاخصی از سرمایه اجتماعی) بر نرخ رشد اقتصادی در گروه کشورهای منتخب درآمد متوسط می‌باشد. نتایج حاصل از برآورد مدل به روش اثرات ثابت و گشتاور تعمیم یافته در گروه کشورهای منتخب درآمد متوسط در دوره زمانی ۲۰۱۳-۱۹۹۴ را نشان می‌دهد و همکاری‌های اجتماعی تأثیر مثبت و معناداری بر نرخ رشد اقتصادی در گروه کشورهای منتخب دارد.

## واژگان کلیدی: همکاری‌های اجتماعی، نرخ رشد اقتصادی، پانل دیتا.

### ۱- مقدمه

تقسیم‌بندی کشورها و جوامع به دو گروه تقریباً متمایز توسعه یافته و در حال توسعه قبل از هر چیز، بر عملکرد اقتصادی و به طور مشخص به نرخ رشد اقتصادی بلندمدت آنها مبتنی است. به همین دلیل، دستیابی به نرخ رشد اقتصادی بالا، هدف اولیه کلیه نظام‌های اجتماعی و نقطه مطلوب تمامی تلاش‌هایی است که برای تنظیم امور اقتصادی جوامع مبذول می‌شود. افزایش رفاه عمومی، برخورداری شهروندان از حقوق و آزادی‌های بشری و بالاخره نیل به ارزش‌های والای انسانی بدون دست یافتن به رشد اقتصادی قابل قبول برای مدتی به نسبت طولانی، تحقق و تدوام نخواهد یافت. سال‌های مدیدی است که اقتصاددانان در پی کشف عواملی برآمدند که بر سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی تأثیر گذارند. چه عواملی سرمایه‌گذاری را تحریک و رشد اقتصادی را تسریع می‌کند؟ تفاوت عملکرد رشد اقتصادی کشورهای مختلف از کجا ناشی می‌شود؟ در مدل‌های سنتی رشد اقتصادی، کشورها و حتی فناوری‌ها، یکسان فرض می‌شدند این مدل‌ها ریشه تفاوت نرخ سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی در کشورهای مختلف را به نرخ پس‌انداز و نرخ رشد عوامل تولید نسبت می‌دادند. در دومین مرحله اقتصاددانان تلاش نمودند تا با کنترل مدل نسبت به عوامل دیگر همچون سرمایه انسانی، درجه توسعه‌یافتگی بخش مالی و اهمیت و کیفیت سیاست‌های اقتصاد کلان در کشورهای مختلف، رشد پسماند توضیح داده نشده را به حداقل برسانند (شریف‌آزاده، حسین‌زاده بحرینی، ۱۳۸۲). در این مسیر حتی تفاوت

کارکرد تکنولوژی در کشورها و مناطق مختلف مورد نظر قرار گرفت. ولی باز هم پسماند توضیح داده نشده، قابل توجه بود. در سومین مرحله، پژوهشگران توجه خود را به عوامل غیر اقتصادی تأثیرگذار بر سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی متمرکز کردند (فردریک و همکاران<sup>۱</sup>، ۱۹۹۸). در این زمینه پژوهش‌های وسیعی توسط اقتصاددانان صورت گرفت و نتایج قابل توجهی به دست آمد. موضوعاتی از قبیل سرمایه اجتماعی<sup>۲</sup> متغیر جدیدی بودند که در این مرحله وارد ادبیات سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی گردیدند. در این راستا سرمایه اجتماعی را می‌توان مجموعه‌ای از شبکه‌ها، هنجارها، ارزش‌ها و ادراکاتی دانست که همکاری درون گروه‌ها و بین گروه‌ها را در جهت کسب منافع متقابل تسهیل می‌کند. این نوع از سرمایه با نرخ مشارکت افراد در زندگی جمعی و وجود عامل اعتماد در بین آنان تشریح می‌شود. اعتماد، هنجارهای اجتماعی و شبکه‌های روابط اجتماعی، مهمترین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی می‌باشند. اعتماد، سبب افزایش کیفیت تعاملات، هنجارهای اجتماعی، پایداری روابط، گسترش ارتباطات و آسان شدن گردش اطلاعات می‌شود (پناهی و امینی، ۱۳۹۰). کلمن<sup>۳</sup> (۱۹۸۸) سرمایه اجتماعی را مولد و امکان‌بخش دستیابی به خروجی‌های مطمئنی می‌داند که در غیاب آن ممکن نبود. از دیدگاه پاتنام<sup>۴</sup> همکاری و تعاون داوطلبانه در جایی که ذخیره و انباشت اساسی از سرمایه اجتماعی در قالب قواعد مبادله و شبکه‌های تعهد مدنی وجود داشته باشد، به آسانی صورت می‌گیرد. در واقع سرمایه اجتماعی به پیوند میان اعضای یک شبکه به عنوان منبع با ارزش اشاره دارد که با خلق هنجارها و اعتماد متقابل موجب تحقق اهداف اعضا می‌شود (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳) جوامع بهره‌مند از سطوح بالاتر ذخیره سرمایه اجتماعی از دستاوردهای توسعه‌ای بهتر و حکومت کارآمدتری بهره‌مندند. نظریه سرمایه اجتماعی از عقاید پیروبودیو<sup>۵</sup> و جیمز کلمن<sup>۶</sup> نشأت می‌گیرد که بر اهمیت روابط اجتماعی و هنجارهای مشترک رفاه اجتماعی و کارآمدی اقتصادی

۱- Feddereke, Johannes and Klitgrad, Robert

۲- Social Capital

۳- Coleman

۴- Putnam

۵- Bourdieu

۶- Coleman

تأکید می‌کنند. از نظر رابرت پاتنام، سرمایه اجتماعی بیانگر روابط بین افراد، شبکه‌های اجتماعی و هنجارهای متقابل و اعتماد اجتماعی است. این روابط، وظایف و مسئولیت‌های متقابل افراد را شکل می‌دهد، به گونه‌ای که شرایط را جهت همکاری، مشارکت و تعاون در ایجاد منافع جمعی بهبود می‌بخشد. سرمایه اجتماعی موجب سهولت در نیل به نتایج عمومی و ایجاد خوی همکاری می‌شود (پاتنام<sup>۱</sup>، ۱۹۹۳).

در این راستا همکاری‌های اجتماعی به عنوان نمودی از سرمایه اجتماعی<sup>۲</sup> به معنای تعامل و مشارکت داشتن در کاری به منزله پیشرفت و افزایش سطح بهره‌وری است. براساس تعریف بانک جهانی، همکاری‌های اجتماعی شامل مشارکت‌های تأمین اجتماعی کارگران و خود اشتغالان است.

بر اساس گزارش سازمان ملل متحد، مقاومت اجتماعی بر علیه تغییرات اقتصادی که شامل عوامل سازمان یافته فرهنگی و سنتی می‌باشد، از طریق تبعیت از رسوم کهنه و فقدان همکاری‌های اجتماعی مشخص می‌گردد. در این خصوص همکاری اجتماعی، نقش بسیار مهمتری از سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی ایفا می‌کند و شبکه‌ای از روابط جمعی انسجام‌بخش میان انسان‌ها و سازمان‌ها می‌باشد. در غیاب همکاری اجتماعی، سایر سرمایه‌ها اثربخشی خود را از دست می‌دهند و بدون همکاری اجتماعی، پیمودن راه‌های توسعه و تکامل فرهنگی و اقتصادی ناهموار و دشوار می‌نماید.

در این راستا هدف اصلی این مقاله بررسی میزان تأثیرگذاری همکاری اجتماعی به عنوان نمودی از سرمایه اجتماعی بر نرخ رشد اقتصادی در گروه کشورهای منتخب درآمد متوسط در دوره زمانی ۲۰۱۳-۱۹۹۴ و آزمون فرضیه زیر می‌باشد:

همکاری‌های اجتماعی به عنوان شاخص نشان‌دهنده سرمایه اجتماعی تأثیر مثبت و معناداری بر نرخ رشد اقتصادی در گروه کشورهای منتخب درآمد متوسط دارد.

ابزار گردآوری اطلاعات مورد نیاز با استفاده از گزارش‌ها و آمارهای منتشر شده منابع اطلاعاتی

۱-Putnam

۲-Social Contributions

و سایت‌های اینترنتی بین‌المللی از جمله WDI<sup>۱</sup> به نشانی [www.worldbank.org](http://www.worldbank.org) می‌باشد. جامعه آماری این مطالعه منتخبی از کشورهای درآمد متوسط می‌باشد. لازم به ذکر است در انتخاب کشورهای منتخب، کشورهایی انتخاب شده‌اند که داده‌های آماری متغیرهای مورد استفاده در این مقاله در دوره زمانی مورد بررسی در دسترس بود. در این مقاله گروه کشورهای منتخب درآمد متوسط شامل آلبانی، ارمنستان، بلغارستان، بوسنی و هرزگوین، بلاروس، برزیل، گرجستان، گواتمالا، هندوراس، هند، ایران، اردن، لبنان، مراکش، رومانی، تایلند، تونس، اوکراین، آفریقای جنوبی و مکزیک می‌باشند.

## ۲- مبانی نظری

سرمایه اجتماعی مفهومی فرارشته‌ای میان علوم انسانی است که به نقش نیروهای اجتماعی در توسعه جوامع می‌پردازد. اقتصاددانان و جامعه‌شناسان در بررسی‌های اقتصادی و اجتماعی جوامع توسعه یافته به این مفهوم توجه ویژه‌ای دارند. این رویکرد نشان‌دهنده اهمیت نقش ساختارها و روابط اجتماعی بر متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع می‌باشد. از سوی دیگر مطالعه روند رشد و توسعه کشورها بیانگر این واقعیت است که سایر سرمایه‌ها در صورت بهره‌گیری از سرمایه اجتماعی سبب رشد و توسعه اقتصادی می‌شوند. زمانی که سرمایه اجتماعی وجود دارد، کنش‌های اجتماعی تسهیل می‌شود و هزینه معاملات کاهش می‌یابد. ثبات و انسجام اجتماعی به همراه همکاری و مشارکت اجتماعی که از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی هستند، شروط لازم برای توسعه اقتصادی می‌باشند.

در این راستا سرمایه اجتماعی با کارکردش تعریف می‌شود. سرمایه اجتماعی شیئی واحد نیست، بلکه انواع چیزهای گوناگونی است که دو ویژگی مشترک دارند همه آنها شامل جنبه‌ای از یک ساخت اجتماعی هستند و کنش‌های معین افرادی را که در درون ساختار هستند را تسهیل می‌کنند. سرمایه اجتماعی، مانند شکل‌های دیگر سرمایه مولد است و دستیابی به هدف‌های معینی را که در نبود آن دست‌یافتنی نخواهد بود را امکان‌پذیر می‌سازد. سرمایه اجتماعی، مانند سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی کاملاً تعویض‌پذیر نیست. اما نسبت به فعالیت‌های به خصوصی،

۱- World Development Indicator.

تعویض‌پذیر است. شکل معینی از سرمایه اجتماعی که در تسهیل کنش‌های معینی ارزشمند است ممکن است برای کنش‌های دیگری فایده یا حتی زیانمند باشد. سرمایه اجتماعی نه در افراد و نه در ابزار فیزیکی تولید قرار دارد. به نظر کلمن سازمان اجتماعی، سرمایه اجتماعی را پدید می‌آورد و دستیابی به هدف‌هایی را که در نبود آن نمی‌توانست به دست آید یا با هزینه زیادتری ممکن بود به دست آید، تسهیل می‌کند (فدایی و نیری، ۱۳۸۹).

سرمایه اجتماعی صبغه‌ای جامعه‌شناسانه دارد، به عنوان یک اهرم توفیق‌آفرین مطرح و مورد توجه فراوان واقع شده است. همکاری اجتماعی به عنوان نمودی از سرمایه اجتماعی، بستر مناسبی برای بهره‌وری سرمایه انسانی و فیزیکی و راهی برای نیل به موفقیت قلمداد می‌شود. مدیران و افرادی که بتوانند در سازمان سرمایه اجتماعی ایجاد کنند، راه کامیابی شغلی و سازمانی خود را هموار می‌سازند. از سوی دیگر همکاری اجتماعی به زندگی فرد، معنی و مفهوم می‌بخشد و زندگی را ساده‌تر و لذت‌بخش‌تر می‌سازد. می‌توان از جامعه‌ای که ذخیره مطلوبی از سرمایه اجتماعی دارد، انتظار داشت که در تولید سرمایه‌های انسانی موفق باشد. مبنای سرمایه اجتماعی در ویژگی‌های جمعی و ساختاری یک جامعه نهفته است و هنجارهایی که شالوده سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهند، در صورتی معنا می‌یابند که بیش از یک نفر در آن سهم باشد، مانند گروه‌های داوطلبان (به طور کلی نهادها) اما سرمایه انسانی متعلق به افراد است. از دیدگاه فوکویاما<sup>۱</sup> سرمایه اجتماعی را به سادگی می‌توان به عنوان وجود مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی تعریف نمود که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میانشان مجاز است در آن سهم هستند. مشارکت در ارزش‌ها و هنجارها به خودی خود سبب تولید سرمایه اجتماعی نمی‌گردد، چرا که ممکن است ارزش‌ها منفی باشند. هنجارهایی که تولید سرمایه اجتماعی می‌کنند اساساً باید شامل سجایایی از قبیل صداقت، ادای تعهد و ارتباطات دو جانبه باشد. فوکویاما در توضیح خاستگاه سرمایه اجتماعی می‌نویسد فراهم ساختن و تدارک سرمایه اجتماعی با واسطه و میانجیگری مجموعه‌ای از نهادهایی که تقریباً به وسعت و گستردگی خود جامعه هستند، انجام می‌پذیرد. خانواده‌ها، مدارس، کلیساها و انجمن‌های داوطلبانه، انجمن‌های تخصصی، فرهنگ عمومی و غیره از آن جمله هستند. اکثر این نهادها با اقتصاد بازار

کاملاً بیگانه هستند. بودجه برخی از این نهادها از قبیل مدارس را مردم با پرداخت مالیات تأمین می‌کنند. برخی دیگر مانند خانواده‌ها یا انجمن‌های خیریه از طریق تولیدات فرعی فعالیت‌های دیگر، سرمایه اجتماعی تولید می‌کنند.

سرمایه اجتماعی هنگامی به وجود می‌آید که روابط میان افراد به شیوه‌ای دگرگون شود که کنش متقابل را تسهیل کند. سرمایه فیزیکی کاملاً ملموس است. سرمایه انسانی کمتر ملموس است و در مهارت‌ها و دانشی که فرد کسب کرده است تجسم می‌یابد؛ سرمایه اجتماعی حتی کمتر از این محسوس است، زیرا در روابط میان افراد تجسم می‌یابد. سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی فعالیت تولیدی را تسهیل می‌کنند و سرمایه اجتماعی نیز همانند آنها عمل می‌کند. مثلاً گروهی که اعضایش زیاد به یکدیگر اعتماد می‌کنند، خواهند توانست کارهای بسیار بیشتری از گروهی که فاقد آن است، انجام دهند و این بارزترین تأثیر همکاری اجتماعی است. کاهش سرمایه اجتماعی به معنای کاهش اعتماد است که هزینه‌های معاملاتی را به شدت افزایش می‌دهد. سرمایه‌های اجتماعی مانند اعتماد دو طرفه، ارزش‌ها و ادراکات مشترک سبب سودمندتر شدن مذاکرات بین طرفین معامله می‌شود. اگر تعداد خریداران و فروشندگان حاضر در قرارداد، کم باشد؛ معاملات بیشتر به صورت مذاکره و گفتگو انجام می‌شود. در این حالت هیچ تضمینی برای اجرای اصل بینه پاراتو وجود ندارد، ولی وجود اعتماد بین طرفین قرارداد به عنوان یک سرمایه اجتماعی می‌تواند به آنها برای رسیدن به بینه پاراتو کمک نماید. یاماگاشی<sup>۱</sup> (۱۹۸۶) اعتماد متقابل را کلید اصلی تعاون و همکاری می‌داند. ارو<sup>۲</sup> (۱۹۷۰) در اهمیت اعتماد می‌نویسد: برای افراد مفید است که به سخنان و قول‌های دیگران مقداری اعتماد داشته باشند. در نبود اعتماد بسیاری از تضمین‌ها بسیار پرهزینه می‌بود و فرصت‌های بسیاری جهت همکاری‌های سودمند و متقابل از بین می‌رفت. اعتماد جنبه درونی داشته و نشان‌دهنده درک انسان‌ها از یکدیگر است. در صورتی که این درک مبتنی بر تضاد و تقابل منافع باشد، ارتباط به وجود نمی‌آید و اگر مبانی مشترکی در اهداف و منافع احساس شود، اعتماد میان افراد شکل می‌گیرد (خوش‌چهره و دیگران، ۱۳۸۷). از دیدگاه ناک، اعتماد یک متغیر کلیدی در تبیین رشد

---

۱-Yamagishi

۲-Arrow

اقتصادی است (ناک<sup>۱</sup>، ۱۹۹۹).

فوکویاما<sup>۲</sup> برخی از کشورها که از نظر فرهنگی مشابه می‌باشند را مقایسه نموده است. هدف وی این است که به این سؤال پاسخ دهد: چرا برخی کشورها موفقیت اقتصادی بیشتری نسبت به سایر کشورها دارند؟ از دیدگاه وی در این گروه کشورها سطوح بالای قابلیت اجتماعی (سرمایه اجتماعی) صداقت و اعتماد، افراد را به انجام کارهای مشارکتی و تعاونی مشتاق می‌سازد و زمینه را برای رشد اقتصادی فراهم می‌کند. مثلاً در ژاپن سطوح بالای سرمایه اجتماعی سبب رشد و توسعه اقتصادی این کشور شده است. سرمایه‌های اجتماعی تبادل اطلاعات بین طرفین را تسهیل می‌کند که این خود به کارا شدن هر چه بیشتر تخصیص پویایی منابع کمک می‌کند. سرمایه‌های اجتماعی نقش مهمی در اداره بنگاه‌ها بازی می‌کنند. داشتن حسن شهرت و اعتبار در درون بنگاه و همچنین بین افراد خارج از بنگاه، یکی از عوامل مهم در نظم دادن و اداره امور بنگاه‌هاست. سرمایه‌های اجتماعی شناخته شده را می‌توان در هر تشکیلاتی یافت و در واقع وجود همین سرمایه‌ها است که سبب شده تشکیلات مالی مختلف به جای این که خود را به سادگی بر اساس ترکیبی از عوامل فیزیکی تولیدی که به صورت جداگانه از بازارهای مرتبط خود خریداری شده‌اند شکل دهند، برنامه‌ریزی خود را بر اساس خود تولید قرار می‌دهند؛ زیرا که تولید به همان اندازه که به عوامل فیزیکی وابسته است، تحت تأثیر عوامل اجتماعی نیز می‌باشد. تجربه ناخوشایند کمپانی‌های نفتی آمریکا و شرکت‌های مواد غذایی ژاپن نشان می‌دهد که در صورت لحاظ نکردن نقش سرمایه‌های اجتماعی، وضع قوانین مدرن برای همکاری هر چه بیشتر در مؤسسات اقتصادی نمی‌تواند تضمین لازم برای اداره شدن مناسب بنگاه‌ها را فراهم آورند. سرمایه‌های اجتماعی می‌توانند حتی از طریق تسهیل تبادل اطلاعات نیمه محرمانه و توافقات دوطرفه، فرصت‌های تجاری مناسبی به وجود آورند. اساساً وجود سرمایه‌های اجتماعی مانند اعتماد دو طرفه از ضروریات یک تجارت جدید محسوب می‌شود. برای مثال یک ایده و یا یک طرح جدید خوب به راحتی می‌تواند مورد معامله قرار گیرد، ولی متأسفانه سیستم قانونی محافظت از دارایی‌هایی فکری به حد لازم قوی نیست. لذا در مراحل اولیه چنین معامله‌ای اگر

۱-Knack

۲-Fukuyama



اعتماد لازم وجود نداشته باشد، احتمال سرقت طرح وجود دارد. در مراحل بالاتر و همکاری‌های وسیع‌تر نیز این چنین است. اگر دو بنگاه بزرگ برای همکاری در زمینه یک محصول جدید بخواهند اطلاعات همدیگر را دریافت کنند، لازم است که در تبادل اطلاعات صراحت و راستگویی کامل که از جمله سرمایه‌های اجتماعی شناخته محسوب می‌شود، وجود داشته باشد. امروزه در ژاپن مجموعه بنگاه‌هایی به نام کی یرتسو وجود دارد که اعضا آن از طریق همکاری بلندمدت و سیستم سهام متقابل از تبادل کامل اطلاعات بین یکدیگر سود می‌برند. البته نقطه ضعف این مجموعه که از همکاری بلندمدت آنها ناشی شده است، نداشتن نگرش باز و بسنده کردن به شرکای قدیمی و عدم تمایل به همکاران جدید مانند شرکت‌های خارجی؛ از جمله این موارد است. به همین دلیل است که شرکت کی یرتسو در حال نزول است و اعضاء اولیه آن در صدد یافتن راه‌های جدید همکاری هستند، چیزی که سرمایه‌های اجتماعی می‌توان نقش مهمی در آن داشته باشد. سرمایه اجتماعی از طریق توزیع ریسک، می‌تواند بر نرخ پس‌انداز جامعه اثر گذاشته و سبب افزایش میزان پس‌انداز و رشد اقتصادی شود. برای این ادعا چند دلیل وجود دارد. اول این که هر چه اعتبار کارهای آینده اقتصاد بالاتر باشد، نرخ تنزیل زمانی در نزد مردم پایین‌تر می‌آید. دوم این که در جامعه‌ای که سرمایه‌های اجتماعی با ذهنیت افراد آن ترکیب شده است، مردم به همان اندازه که به همسایه‌های خود که دائماً در تماس بالفعل با آنها هستند اهمیت می‌دهند، نسبت به منفعت و سود بالقوه فرزندان و نوادگان آینده خود نیز حساس هستند و لذا تمایل دارند با پس‌انداز بیشتر، اموال بیشتری برای آنها فراهم کنند و سوم این که تربیت فرهنگی و مذهبی افراد نیز می‌تواند آنها را به اعتماد متقابل بیشتر و همچنین پس‌انداز بیشتر تشویق کند. اگر سرمایه‌های اجتماعی از حد آستانه‌ای خاصی پایین‌تر باشند، نبوغ و توانایی افراد به علت فقر موجود در سرمایه‌های اجتماعی، به ثمر نمی‌نشیند. در حالی که به طور طبیعی افراد مایل هستند تجارت و یا فعالیت‌های خود را در کشوری انجام دهند که به تلاش آنها پاداشی در خور آن تعلق بگیرد و یا این که اگر در کشور خود می‌مانند، مایل هستند که در فعالیتی تلاش کنند که بتواند نبوغ و استعداد آنها را بروز داده و به ثمر رساند (اختر محقق، ۱۳۸۵).

## ۳- سابقه پژوهش

لیو و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۷) در مطالعه‌ای تحت عنوان "سرمایه اجتماعی، نژاد و نابرابری درآمدی در ایالات متحده" تشریح نمودند که از دهه ۱۹۸۰، ایالات متحده شاهد افزایش تمرکز ثروت در دست افراد فوق ثروتمند بوده است. بر اساس آمار ایالتی محاسبه شده، تقریباً ۱۰ درصد صاحبان درآمد، ۴۳ درصد از کل درآمد را در اختیار داشته‌اند و رشد اقتصادی این نابرابری را میان افراد بسیار ثروتمند و بقیه شهروندان افزایش داده است. این مقاله با تأکید بر تنوع نژادی و رابطه آن با حضور در کلیسا، به بررسی این مسأله می‌پردازد که آیا سرمایه اجتماعی نقش مثبت در تضعیف نابرابری درآمدی در سطح ایالتی دارد؟ نتایج تجربی نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی چه با شاخص سرمایه اجتماعی ایالتی رابرت پاتنام<sup>۲</sup> (SCI) اندازه‌گیری شود و چه با یک معیار جدید که SCI را بهبود می‌بخشد، نمی‌تواند برابری درآمدی را بهبود ببخشد. در مقابل، تنوع نژادی عامل تشدیدکننده نابرابری درآمد است. در ایالت‌هایی که اقلیت‌ها جمعیت بیشتری دارند، فوق ثروتمندان تمایل بیشتر به تقسیم ثروت دارند و سرمایه اجتماعی به صورت بالقوه زمینه بهره‌مندی فوق ثروتمندان را از مزایای رشد اقتصادی تسهیل می‌کند.

گولد و هیزن<sup>۳</sup> (۲۰۱۶) در مطالعه‌ای تحت عنوان "رشد، از دست دادن اعتماد؟ تأثیر نابرابری بر سرمایه اجتماعی" با استفاده از داده‌های نظرسنجی ملی انتخابات آمریکا در دوره زمانی (۱۹۸۰-۲۰۱۰) و نظرسنجی اجتماعی اروپا در کشورهای اروپایی در دوره زمانی (۲۰۰۲-۲۰۱۲) نشان دادند که نابرابری درآمدی، اعتماد فرد به دیگران را در ایالات متحده و در دیگر اقتصادهای پیشرفته کاهش می‌دهد. اعتماد، کلید اصلی تعاون و همکاری و رشد اقتصادی است. نتایج نشان می‌دهد که نابرابری بر عملکرد کلان اقتصادی تأثیر مهم و غیرمستقیم دارد.

همیلتون و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۱۶) در مطالعه‌ای تحت عنوان "سرمایه اجتماعی، اعتماد و نیک‌بختی در ارزیابی ثروت" یک تحلیل تجربی از مقیاس و تنوع سرمایه اجتماعی به عنوان ثروت را ارائه می‌دهد. با توجه به آن چه از تئوری‌های سرمایه اجتماعی آموخته شده است، این تحلیل برای

۱- Liu, Baodong & Dennis Wei, Yehua & A. Simon, Christopher

۲- Robert Putnam's State-Level Social Capital Index

۳- Liu, Baodong & Dennis Wei, Yehua & A. Simon, Christopher

۴- Hamilton, Kirk & Helliwell, John & Woolcock, Michael

بحث در مورد بازدهی رفاه ناشی از اعتماد می‌تواند قابل توجه باشد. این مطالعه با استفاده از اطلاعات آماری ۱۳۲ کشور تحت پوشش بنیاد نظرسنجی جهانی گالوپ، طیفی از برآوردهای ارزش ثروت معادل اعتماد اجتماعی را ارائه می‌دهد. چنین مقادیری معمولاً در محاسبه ملی یا جهانی درآمد و ثروت در نظر گرفته نمی‌شوند. با توجه به نقش با اهمیت محاسبه شده برای اعتماد اجتماعی به عنوان جزیی از ثروت و خوشبختی، این مقاله با استفاده از برخی گزینه‌های سیاستی نتیجه می‌گیرد که از چه طریقی اعتماد اجتماعی می‌تواند بهتر و پایدارتر شکل گیرد.

بارتولینی و ساراسینو<sup>۱</sup> (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای تحت عنوان "خوشحالی برای چه مدت؟ چگونه سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی برای ایجاد شادی در طول زمان مرتبط می‌باشند"، رفاه ذهنی را با سرمایه اجتماعی و تولید ناخالص داخلی همبسته می‌دانند. نتایج نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی در بلندمدت و میان مدت تا حد زیادی رفاه ذهنی را ایجاد می‌کنند. در حالی که تولید ناخالص داخلی در کوتاه مدت تأثیر مثبت بیشتری بر روی رفاه ذهنی نسبت به بلندمدت دارد. در بلندمدت این همبستگی از بین می‌رود.

پاتریس<sup>۲</sup> (۲۰۱۳) در مطالعه‌ای تحت عنوان "پویایی‌ها و عوامل تعیین‌کننده سرمایه اجتماعی در اتحادیه اروپا و کشورهای همسایه" نشان داد که تحصیلات و رضایت از دموکراسی بیشترین تأثیر را بر سرمایه اجتماعی (اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها) دارد و علاوه بر آن عواملی نظیر سن، درآمد و داشتن بچه، تأثیر مثبت بر سرمایه اجتماعی و عوامل دیگری شامل اندازه شهر و فردگرایی تأثیر منفی بر سرمایه اجتماعی دارند.

حال و احمد<sup>۳</sup> (۲۰۱۳) در مطالعه‌ای تحت عنوان "آیا اعتماد می‌تواند تأثیر سرمایه اجتماعی بر حقوق مالکیت و رشد را توضیح دهد؟" با تأکید بر مبانی نظری موجود درباره تأثیر معنی‌دار نهادها (سرمایه اجتماعی و نهادهای سیاسی) بر رشد اقتصادی با استفاده از داده‌های پانل دیتا ۶۹ کشور در حال توسعه به بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی پرداختند. نتایج در دوره زمانی ۲۰۰۴-۱۹۸۴ نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی تأثیر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی

---

۱-Bartolini, Stefano & Sarracino, Francesco

۲-Parts

۳-Hall and M. Ahmad

هر سه دسته کشور در حال توسعه در سه قاره آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین دارد. آکچوماک و ویل<sup>۱</sup> (۲۰۰۹) در مطالعه‌ای تحت عنوان "سرمایه اجتماعی، نوآوری و رشد؛ شواهدی از اروپا" به بررسی ارتباط میان نوآوری، سرمایه اجتماعی و رشد سرانه تولید ناخالص داخلی در اتحادیه اروپا پرداختند. ایشان نشان دادند که نوآوری به عنوان یک مکانیزم بسیار مهم در تبدیل سرمایه اجتماعی به رشد اقتصادی بالاتر می‌باشد. نتایج در دوره زمانی ۲۰۰۲-۱۹۹۰ نشان می‌دهد که پیشرفت نوآوری و سرمایه اجتماعی تأثیر مثبت و معنی‌داری بر رشد درآمد سرانه دارد.

بالدacci و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۰۸) در مطالعه‌ای تحت عنوان "هزینه‌های اجتماعی، سرمایه انسانی و رشد در کشورهای در حال توسعه" با استفاده از داده‌های ۱۱۸ کشور در حال توسعه به بررسی ارتباط میان هزینه‌های اجتماعی، سرمایه انسانی و رشد اقتصادی در مقایسه با سیاست‌های مداخله‌جویانه دولت پرداختند. نتایج در دوره زمانی ۲۰۰۰-۱۹۷۱ نشان می‌دهد که هزینه‌های آموزش و سلامت تأثیر مثبت و معنی‌داری بر سرمایه اجتماعی و در نتیجه رشد بالای اقتصادی دارد. همچنین سایر سیاست‌های دولت از جمله بهبود شاخص‌های حکمرانی و تنظیم تورم نیز تأثیر مشابهی بر رشد اقتصادی داشته‌اند.

چو<sup>۳</sup> (۲۰۰۶) در مطالعه‌ای تحت عنوان "سه مدل ساده سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی" به ارائه مدل‌های پویا در زمینه رشد اقتصادی و سرمایه اجتماعی پرداخت. در مدل‌های ارائه شده سرمایه اجتماعی از طریق انباشت سرمایه انسانی با تأثیر بر توسعه مالی، اعتماد و نرم‌های اجتماعی و نوآوری‌های تکنیکی و شغلی بر رشد اقتصادی مؤثر بوده است. وی نشان می‌دهد که مالیات و یارانه ابزار کارآمدی در تخصیص چنین منابعی بوده و لذا تفاوت سیاست‌های دولت در کشورهای مختلف و سرمایه اجتماعی متفاوت می‌تواند تفاوت رشد اقتصادی در این کشورها را توضیح دهند.

باگلاستیک و شایک<sup>۴</sup> (۲۰۰۵) در مطالعه‌ای تحت عنوان "سرمایه اجتماعی و رشد در منطقه اروپا؛

۱-Akçomak and Weel

۲-Baldacci et al.

۳-Chou

۴-Beugelsdijk and Schaik

یک تحلیل تجربی<sup>۱۱</sup> پس از تقسیم اروپا به ۵۴ منطقه اجتماعی با استفاده از داده‌های مقطعی و روش حداقل مربعات دریافتند که تفاوت رشد اقتصادی در مناطق مختلف اروپا به طور مثبت و معنی‌داری وابسته به سرمایه اجتماعی است که بر اساس فعالیت‌های اجتماعی اندازه‌گیری می‌شود. نتایج نشان می‌دهد که تعداد شبکه‌های اجتماعی شهروندی نیست که بر رشد اقتصادی مؤثر است بلکه نحوه فعالیت‌های مربوط به آنهاست که بر رشد اقتصادی مؤثر است.

زیری و کریمی (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای تحت عنوان "اثر انسجام اجتماعی بر توسعه اقتصادی (مطالعه بین‌کشوری با رویکرد داده‌های تابلویی)" با استفاده از دو مؤلفه برابری در توزیع فرصت‌ها و سرمایه اجتماعی به برآورد شاخص انسجام اجتماعی در ۸۵ کشور منتخب توسعه‌یافته و در حال توسعه پرداختند. نتایج در دوره زمانی ۲۰۱۰-۲۰۰۸ نشان می‌دهد که انسجام اجتماعی اثر مثبت و معناداری بر رشد تولید سرانه، نوآوری‌های فنی، اثربخشی نهادهای دولتی، کیفیت سیاست‌های توسعه و در نهایت ثبات سیاسی و اجتماعی دارد.

حیدری و همکاران (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای تحت عنوان "سرمایه اجتماعی، سرمایه سلامت و رشد اقتصادی در کشورهای خاورمیانه" به بررسی اثرات سرمایه اجتماعی و سرمایه سلامت بر رشد اقتصادی پرداختند. نتایج با استفاده از روش پانل دیتا و داده‌های دوره زمانی ۲۰۱۰-۱۹۹۰ نشان می‌دهد سرمایه سلامت و سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی مؤثر می‌باشند. سرمایه اجتماعی سبب تقویت شاخص‌های سلامت روحی و جسمی افراد جامعه می‌شود و از سوی دیگر سلامت افراد جامعه در بهبود شاخص‌های اجتماعی مؤثر است.

صمدی و همکاران (۱۳۹۱) در مطالعه‌ای تحت عنوان "سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی مطالعه موردی اقتصاد ایران (۱۳۸۷-۱۳۵۰)" به بررسی ارتباط علیت تودا-یاماموتو میان سرمایه اجتماعی، سرمایه انسانی و رشد اقتصادی در ایران پرداختند. نتایج در دوره زمانی ۱۳۸۵-۱۳۵۰ نشان می‌دهد که هر چند نتایج نسبت به انتخاب شاخص‌ها حساس بوده است، اما با اکثر شاخص‌های نماینده سرمایه اجتماعی، سرمایه انسانی علت تشکیل سرمایه اجتماعی است، سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی با در نظر گرفتن نفت، رابطه علیت دو طرفه‌ای دارند و همچنین سرمایه اجتماعی، علت رشد اقتصادی بدون در نظر گرفتن نفت است.

شعبانی و سلیمانی (۱۳۸۸) در مطالعه‌ای تحت عنوان "اندازه‌گیری اثرات سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی (مطالعه موردی ج.ا. ایران)" ابتدا با استفاده از پرسشنامه و نظرسنجی از مراکز استان‌های

مختلف کشور و تکنیک تحلیل سلسله مراتبی به ایجاد شاخص سرمایه اجتماعی پرداختند و سپس با استفاده از داده‌های مقطعی استان‌های مختلف کشور در سال ۱۳۸۵ به بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی پرداختند. نتایج نشان‌دهنده تأثیر مثبت و معنادار سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی می‌باشد.

صفدری و همکاران (۱۳۸۷) در مطالعه‌ای تحت عنوان "بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی ایران" برای نشان دادن اثر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی ایران بر اساس شاخص فوکویاما، از متغیرهای تعداد پرونده‌های مخومه چک‌های بلامحل و اختلاس و ارتشای سرانه به عنوان متغیر کاهش سرمایه اجتماعی استفاده نمودند. همچنین با استفاده از روش ARDL، مدل سولوی تعمیم یافته را در دوره زمانی ۱۳۴۹-۱۳۸۵ برآورد نمودند. بر اساس ضرایب کوتاه مدت و بلند مدت، در هر دو مدل میان کاهش سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی رابطه معکوس وجود دارد.

#### ۴-تصریح مدل

در این مقاله با استفاده از مبانی نظری و مطالعات حال و احمد<sup>۱</sup>(۲۰۱۳)، آکچوماک و ویل<sup>۲</sup>(۲۰۰۹)، بالداکی و همکاران<sup>۳</sup>(۲۰۰۸) برای بررسی میزان تأثیرگذاری همکاری‌های اجتماعی به عنوان نمودی از سرمایه اجتماعی بر نرخ رشد اقتصادی<sup>۴</sup>، در گروه کشورهای منتخب با تعدیلاتی از مدل (۱) استفاده شده است.

$$GDPGROWTH_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 SOCIALDARSADI_{i,t} + \alpha_2 LABOR_{i,t} + \alpha_3 LNGCF_{i,t} + \alpha_4 OPEN_{i,t} + \alpha_5 INF + \varepsilon_{i,t}$$

(۱)

۱-Hall and M. Ahmad

۲-Akçomak and Weel

۳-Baldacci et al.

۴- بر اساس مطالعه Barro, Sala-I-Martin(2004) تأثیر ۶۷ متغیر بر روی رشد اقتصادی در مطالعات مختلف ارزیابی شده است.

در این معادله

*GDPGROWTH*

نرخ رشد تولید ناخالص داخلی واقعی<sup>۱</sup>،

*SOCIALDARSADI*<sup>۲</sup>

همکاری‌های اجتماعی

*Labor*

نسبت شاغلین به جمعیت بالای ۱۵ سال به عنوان شاخص نیروی کار فیزیکی<sup>۳</sup>،

*LNGCF*

لگاریتم تشکیل سرمایه ناخالص داخلی به قیمت ثابت ۲۰۰۵ به عنوان شاخص نشان دهنده موجودی سرمایه فیزیکی<sup>۴</sup>،

*OPEN* نسبت مجموع صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی به عنوان شاخص نشان دهنده درجه آزادی اقتصادی<sup>۵</sup>، *INF* نرخ تورم، *U* جمله خطای معادله و *t* نشان دهنده کشور و زمان می‌باشند. در ادامه قبل از بررسی مانایی متغیرهای به کار رفته در مدل و برآورد مدل، روند میانگین همکاری‌های اجتماعی به عنوان شاخص از سرمایه اجتماعی و نرخ رشد اقتصادی در گروه کشورهای منتخب درآمد متوسط بررسی شده است.

۱- GDP Growth (% annual)

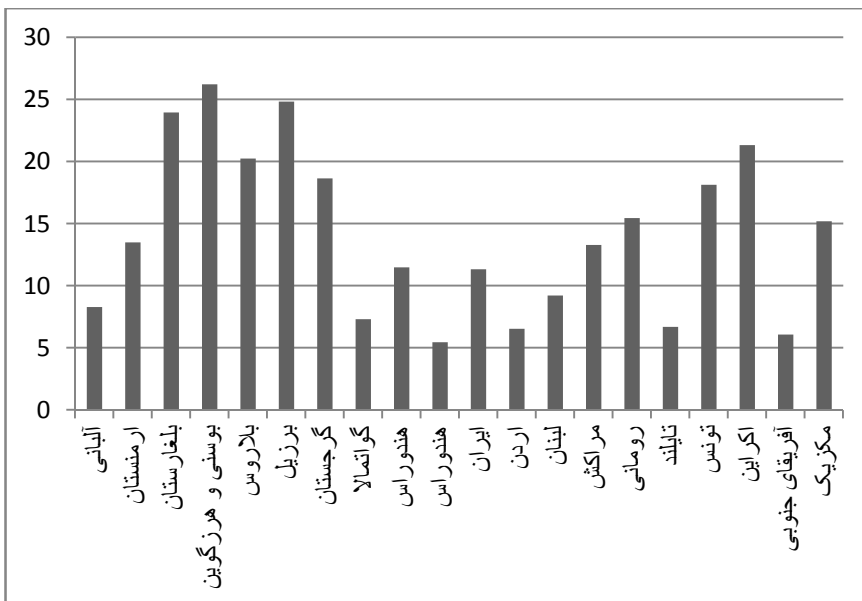
۲- Social Contributions (% of Revenue)

۳- Employment to Population Ratio, 15+, total (%)

۴- Gross Capital Formation (constant 2005 US\$)

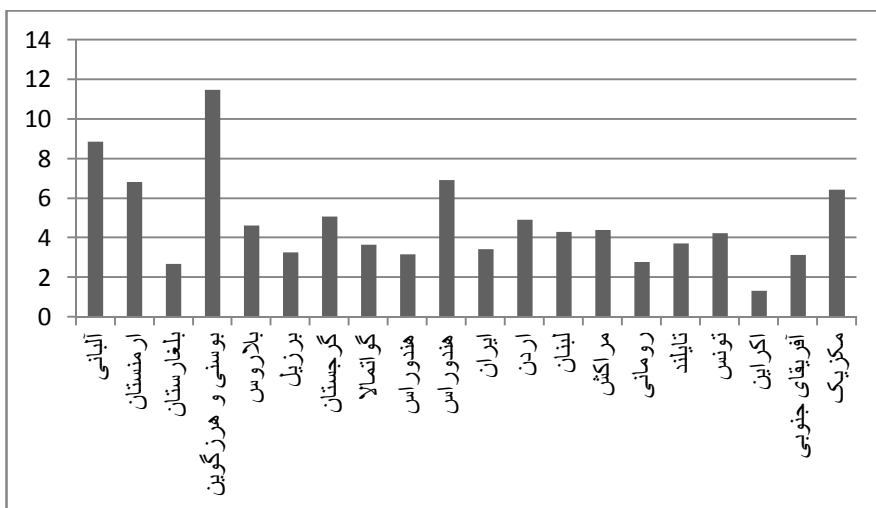
۵- Openness

نمودار (۱)- روند میانگین همکاری‌های اجتماعی در گروه کشورهای منتخب



منبع: (بانک جهانی)

نمودار (۲)- روند میانگین نرخ رشد اقتصادی در گروه کشورهای منتخب



منبع: بانک جهانی



روند میانگین همکاری‌های اجتماعی به عنوان نمودی از سرمایه اجتماعی و نرخ رشد اقتصادی در گروه کشورهای منتخب درآمد متوسط در دوره زمانی ۲۰۱۳-۱۹۹۴ در نمودار (۱) و (۲) نشان می‌دهد:

- کشورهای بوسنی و هرزگوین و هندوراس به ترتیب رتبه‌های اول و آخر را در میانگین همکاری‌های اجتماعی در میان ۲۰ کشور منتخب درآمد متوسط کسب نموده‌اند.
- ایران رتبه دوازدهم را در میانگین همکاری‌های اجتماعی در میان ۲۰ کشور منتخب درآمد متوسط به خود اختصاص داده است.
- کشورهای بوسنی و هرزگوین و اکراین به ترتیب رتبه‌های اول و آخر در میانگین نرخ رشد اقتصادی در میان ۲۰ کشور منتخب درآمد متوسط کسب نموده‌اند.
- ایران رتبه چهاردهم را در میانگین نرخ رشد اقتصادی در میان ۲۰ کشور منتخب درآمد متوسط به خود اختصاص داده است.

جدول (۱): بررسی مانایی و نامانایی متغیرها در گروه کشورهای منتخب درآمد متوسط

نتیجه	t آماره (P - Value)	آزمون ریشه واحد	متغیر
- ایستا I(0)	313.720 (0.0000)	PP-Fisher Chi-square	GDPGROWTH
- ایستا I(0)	98.1164 (0.0000)	PP-Fisher Chi-square	SOCIALDARSADI
- ایستا I(0)	56.2666 (0.0025)	PP-Fisher Chi-square	LABOR
- ایستا I(0)	70.9319 (0.0009)	PP-Fisher Chi-square	LNGCF
- ایستا I(0)	62.6465 (0.0125)	PP-Fisher Chi-square	OPEN
- ایستا I(0)	1418.86 (0.0000)	PP-Fisher Chi-square	INF

منبع: محاسبات محقق

همان طور که در جدول (۱) مشاهده می‌شود بر اساس آماره فیشر نرخ رشد تولید ناخالص داخلی واقعی به عنوان شاخص نشان‌دهنده نرخ رشد اقتصادی، همکاری‌های اجتماعی، نسبت شاغلین به جمعیت بالای ۱۵ سال به عنوان شاخص نیروی کار فیزیکی، لگاریتم تشکیل سرمایه ناخالص

داخلی واقعی به عنوان شاخص نشان دهنده موجودی سرمایه فیزیکی، نسبت مجموع صادرات و واردات به GDP به عنوان شاخص نشان‌دهنده درجه آزادی اقتصادی و نرخ تورم در سطح مانا هستند و بنابراین فرضیه صفر مبنی بر وجود ریشه واحد رد می‌شود. در نتیجه پایداری داده‌های مورد استفاده در این مقاله قبل از برآورد مدل مورد تأیید واقع می‌شوند.

### ۵. برآورد مدل و نتایج

به منظور تخمین معادله (۱) ابتدا لازم است تا نوع روش تخمین جهت نوع داده‌های پانل تعیین شود. بنابراین ابتدا برای تعیین وجود (عدم وجود) عرض از مبدأ جداگانه برای هر یک از کشورهای از آماره F استفاده شد. با توجه به میزان آماره F محاسبه شده در جدول (۲)، فرضیه صفر آزمون مبنی بر استفاده از روش حداقل مربعات معمولی رد می‌شود. در نتیجه رگرسیون مقید (حداقل مربعات معمولی) دارای اعتبار نمی‌باشد و باید عرض از مبدأهای مختلفی (روش اثرات ثابت یا تصادفی) را در مدل لحاظ نمود. سپس برای آزمون این که مدل با بهره‌گیری از روش اثرات ثابت یا تصادفی برآورد گردد، از آزمون هاسمن استفاده شد. با توجه به میزان آماره  $\chi^2$  به دست آمده از انجام محاسبات برای این رگرسیون در جدول (۲)، روش اثرات ثابت در تخمین مدل مورد استفاده قرار می‌گیرد.

علاوه بر تخمین مدل با استفاده از تخمین زن‌های اثرات ثابت و تصادفی، مدل تجربی در این مقاله با استفاده از برآورد گر گشتاورهای تعمیم‌یافته و با تکیه بر مدل پانل پویا تخمین زده شده است. تخمین زن گشتاورهای تعمیم‌یافته با محاسبه تأخیرات ویژه فردی مشاهده نشده<sup>۱</sup> در مدل (که به صورت وارد کردن متغیر وابسته با وقفه به عنوان متغیر توضیحی در مدل انجام می‌شود)، کنترل بهتری بر درون‌زایی کل متغیرهای توضیحی مدل فراهم می‌کنند. نتایج برآورد مدل با استفاده از برآورد گر گشتاورهای تعمیم‌یافته در گروه کشورهای منتخب درآمد متوسط در جدول (۲) ارائه شده است.

جدول (۲): نتایج برآورد تأثیر همکاری‌های اجتماعی بر نرخ رشد اقتصادی  
 در گروه کشورهای منتخب (متغیر وابسته: نرخ رشد اقتصادی)

به روش گشتاورهای تعمیم یافته	به روش اثرات ثابت	متغیرهای توضیحی
ضرایب {آماره t} (P-value)	ضرایب آماره t (P-value)	
-	-166.4766 {-4.042609} (0.0001)	C
-0.394051 {-1.778557} (0.0779)	-	GDPDARSADI(-1)
0.333035 {2.663858} (0.0088)	0.182982 {1.909312} (0.0590)	SOCIALDARSADI
1.156559 {5.572327} (0.0000)	0.192086 {2.000682} (0.0481)	LABOR
11.86003 {3.180939} (0.0019)	15.70478 {3.960165} (0.0001)	LNCGF
0.081509 {3.147736} (0.0021)	-0.000814 {-0.031142} (0.9752)	OPEN
-0.006920 {-2.097284} (0.0381)	0.005580 {1.972920} (0.0512)	INF
-	0.531491	R <sup>2</sup>
-	2.155314	Durbin-Watson stat
-	F(16.103)= 4.367641 P-value=(0.0000)	آماره F
-	CHISQ(5)= 13.519359 P-value=(0.0190)	آماره هاسمن
13.53284	-	J-Statistic

منبع: محاسبات تحقیق

نتایج حاصل از برآورد رگرسیون (۱) در گروه کشورهای منتخب درآمد متوسط به روش‌های اثرات ثابت و گشتاورهای تعمیم‌یافته در دوره زمانی ۱۹۹۴-۳۲ در جدول (۲) نشان می‌دهد:

- همکاری‌های اجتماعی به عنوان شاخص از سرمایه اجتماعی تأثیر مثبت و معناداری بر نرخ رشد اقتصادی در گروه کشورهای منتخب دارد. بنابراین فرضیه مربوط به ارتباط مثبت و معنادار میان همکاری‌های اجتماعی و نرخ رشد اقتصادی در گروه کشورهای منتخب را نمی‌توان رد کرد. بهبود همکاری‌های اجتماعی از کانال‌های مختلفی بر نرخ رشد اقتصادی تأثیر دارد. از جمله این کانال‌ها می‌توان به موارد ذیل اشاره داشت:
  - ✓ با بهبود همکاری‌های اجتماعی، اعتماد دو طرفه، ارزش‌ها و ادراکات مشترک در جامعه بهبود یافته، این امر سودمندتر شدن مذاکرات بین طرفین را از طریق کاهش هزینه‌های معاملاتی موجب می‌گردد (فوکویاما، ۱۳۷۹). بدین ترتیب جامعه‌ای که از سرمایه اجتماعی، اعتماد و اطمینان برخوردار است، می‌تواند از طریق تضمین عملکرد و اجرای قراردادهای، هزینه‌های مربوط به سیستم قانونی را کاهش دهد.
  - ✓ با بهبود همکاری‌های اجتماعی، تبادل اطلاعات بین طرفین تسهیل گردیده، که این موضوع به کاراتر شدن هر چه بیشتر تخصیص پویای منابع کمک می‌کند.
  - ✓ با بهبود همکاری‌های اجتماعی، اداره و عملکرد بنگاه‌ها تقویت و تسهیل می‌گردد. داشتن حسن شهرت و اعتبار در درون بنگاه و همچنین بین افراد خارج از بنگاه، یکی از عوامل مهم در نظم دادن و اداره امور بنگاه‌ها می‌باشد.
- نسبت شاغلین به جمعیت بالای ۱۵ سال به عنوان شاخص نیروی کار فیزیکی تأثیر مثبت و معناداری بر نرخ رشد اقتصادی در گروه کشورهای منتخب درآمد متوسط دارد.
- لگاریتم تشکیل سرمایه ناخالص داخلی واقعی به عنوان شاخص نشان‌دهنده موجودی سرمایه فیزیکی تأثیر مثبت و معناداری بر نرخ رشد اقتصادی در گروه کشورهای منتخب دارد. تقریباً اکثر اقتصاددانان، بی‌توجه به مکتب و دیدگاه فکری خود، بر تمرکز و تشکیل سرمایه به مثابه مهمترین عامل تعیین‌کننده رشد اقتصادی تأکید داشته‌اند. تمرکز قابل توجه سرمایه، استفاده مطلوب‌تر و کامل‌تر از منابع موجود در اقتصاد را امکان‌پذیر می‌سازد و سبب افزایش تولید ملی، درآمد و اشتغال می‌شود. تمرکز سرمایه سبب گسترش مؤسسات علمی و پژوهشی و در نهایت موجب توسعه پیشرفت‌های فنی می‌شود

که صرفه‌جویی‌های اقتصادی در ابعاد گسترده ایجاد می‌کند. همچنین موجب افزایش نیروهای متخصص و ماهر در جامعه می‌شود و بازدهی تولید و نهایتاً تولید را افزایش می‌دهد.

- در روش گشتاورهای تعمیم‌یافته نسبت مجموع صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی به عنوان شاخص نشان دهنده درجه آزادی اقتصادی تأثیر مثبت و معناداری بر نرخ رشد اقتصادی در گروه کشورهای منتخب دارد. توسعه صادرات با ایجاد تقسیم کار و استفاده از مزیت‌ها، وجود مقیاس وسیع‌تر اقتصادی برای کارایی اندازه بازار، ظرفیت بهره‌برداری بیشتر در صنایع، افزایش در نرخ تشکیل سرمایه و تغییر تکنولوژی، ایجاد رقابت در بازار بین‌المللی منجر به بازدهی کل عوامل تولید در سطحی بالاتر می‌شود و در نتیجه رشد اقتصادی را افزایش می‌دهد. درجه آزادی اقتصادی در روش اثرات ثابت تأثیر معناداری بر نرخ رشد اقتصادی در گروه کشورهای منتخب ندارد.
- نرخ تورم تأثیر معناداری بر نرخ رشد اقتصادی در گروه کشورهای منتخب دارد. تورم نسبتاً بالاتر از حد آستانه‌ای دارای اثر منفی و تورم پایین‌تر از حد آستانه‌ای دارای اثر مثبت بر نرخ رشد اقتصادی می‌باشد (بیطرف خوشحال، ۱۳۹۱).
- مقدار ضریب تعیین در مدل نشان می‌دهد که بیش از پنجاه درصد از تغییرات نرخ رشد اقتصادی در گروه کشورهای منتخب توسط متغیرهای مستقل مدل توضیح داده شده است.
- آماره آزمون سارگان<sup>۱</sup> که از توزیع  $\chi^2$  با درجات آزادی برابر با تعداد محدودیت‌های بیش از حد مشخص برخوردار است، فرضیه صفر مبنی بر همبسته بودن پسماندها با متغیرهای ابزاری را رد می‌کند. بر اساس نتایج حاصل از این آزمون متغیرهای ابزاری به کار گرفته شده در تخمین مدل از اعتبار لازم برخوردار هستند. در نتیجه اعتبار نتایج جهت تفسیر تأیید می‌شوند.

## ۶- پیشنهادها

با توجه به نتایج به دست آمده در چهارچوب این مطالعه می‌توان پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه نمود:

- با توجه به این که همکاری‌های اجتماعی به عنوان شاخصی از سرمایه اجتماعی تأثیر مثبت و معناداری بر نرخ رشد اقتصادی دارد. بنابراین توصیه می‌شود سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش و کارآموزی در زمینه مهارت‌های تعاونی و ایجاد فرهنگ تعاونی در جهت ارتقاء سطح مشارکت اجتماعی انجام شود. شرایط و زمینه‌های لازم در جهت سوق دادن افراد به درگیر شدن در رویدادهای اجتماعی فراهم شود و سازمان‌ها و انجمن‌های داوطلبانه و غیردولتی گسترش یابند. همچنین تلاش در جهت ارتقای سطح اعتماد اجتماعی از طریق راهکارهایی مانند عمل به وعده‌های داده شده توسط مسئولین و تلاش در جهت کاهش سطح نابرابری‌های اجتماعی صورت پذیرد.
- با توجه به تأثیر مثبت و معنادار اشتغال بر نرخ رشد اقتصادی توصیه می‌شود فضای کسب و کار بهبود یابد. همچنین با ایجاد ثبات و امنیت سرمایه‌گذاری برای تولیدکنندگان، استفاده از تجارب کشورهای موفق در ایجاد شغل، می‌توان اشتغال ایجاد نمود.
- با توجه به تأثیر مثبت آزادسازی اقتصادی بر نرخ رشد اقتصادی، تلاش و برنامه‌ریزی در کاهش موانع بازرگانی خارجی که سبب افزایش درجه باز بودن اقتصاد شود، توصیه می‌گردد. همچنین تسریع در فرایند عضویت کشورهای در حال توسعه در سازمان تجارت جهانی و مقررات‌زدایی در زمینه صادرات و واردات و فراهم کردن زمینه‌های حضور مؤسسات مالی و تجاری خارجی در داخل کشورهای در حال توسعه از کانال اصلاح قوانین و مقررات داخلی به منظور رفع ممنوعیت‌های ورود مؤسسات مالی خارجی توصیه می‌گردد.
- تورم تأثیر معناداری بر نرخ رشد اقتصادی دارد. بنابراین کنترل و مدیریت نقدینگی می‌تواند به مهار تورم بالا و افزایش رشد اقتصادی کمک نماید.
- با توجه به تأثیر مثبت سرمایه‌فیزیکی بر نرخ رشد اقتصادی می‌توان از طریق ایجاد امنیت سرمایه‌گذاری و برقراری مشوق‌های کارآمد برای جذب سرمایه‌گذاران خارجی، سرمایه مورد نیاز برای رشد اقتصادی را فراهم نمود.

## منابع

- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۳)، **نظریه‌های اجتماعی معاصر با رویکرد توسعه**، نشر علم.
- اخترمحقق، مهدی (۱۳۸۵)، **سرمایه اجتماعی**، چاپ اول، کتابخانه ملی ایران.
- بیطرف خوشحال، امیرهوشنگ (۱۳۹۱)، **تأثیر عوامل اجتماعی بر نرخ رشد اقتصادی در استان‌های کشور**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد فیروزکوه.
- حیدری، حسن؛ فعالجو، حمیدرضا؛ نظریان، علمناز؛ محمدزاده، یوسف (۱۳۹۲)، سرمایه اجتماعی، سرمایه سلامت و رشد اقتصادی در کشورهای خاورمیانه، **پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی**، دوره ۳، شماره ۱۱، صص ۷۴-۵۷.
- رناتی، محسن؛ عمادزاده مصطفی و مؤیدفر رزیتا (۱۳۸۵)، سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی، **مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان**، جلد بیست و یکم، شماره ۲، صص ۱۵۱-۱۳۳.
- ازکیا، مصطفی و سیداحمد فیروزآبادی (۱۳۸۷)، بررسی سرمایه اجتماعی در انواع نظام‌های بهره‌برداری از زمین و عوامل مؤثر بر تبدیل بهره‌برداری‌های دهقانی به تعاونی، **نامه علوم اجتماعی**، بهار، شماره ۱۶ (پیاپی ۳۳).
- زبیری، هدی؛ احمدی، کریمی موغاری، زهرا (۱۳۹۳)، اثر انسجام اجتماعی بر توسعه اقتصادی (مطالعه بین‌کشوری با رویکرد داده‌های تابلویی)، **فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی**، دوره ۴، شماره ۱۴، صص ۶۲-۳۹.
- پناهی، محمدحسین؛ اشرف، امینی (۱۳۹۰)، دولت رانتی، اقتصاد دولتی، فرهنگ سیاسی و سرمایه اجتماعی در ایران ۱۳۸۴-۱۳۶۸، **فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی**، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شماره هفتم، تابستان ۱۳۹۰، ص ۹۴.
- خوش چهره، محمد و دیگران (۱۳۸۷)، سرمایه اجتماعی و توسعه، **نشریه علمی ترویجی راهبرد توسعه**، شماره ۱۶، زمستان.
- شریف، آزاده؛ محمدرضا، حسین‌زاده بحرینی (۱۳۸۲)، تأثیرپذیری سرمایه‌گذاری خصوصی در ایران از شاخص‌های امنیت اقتصادی (۱۳۷۹-۱۳۵۸)، **فصلنامه نامه مفید** ۳۸، مهر و آبان ۸۲.
- شهبانی، احمد؛ سلیمانی، محمد (۱۳۸۸)، اندازه‌گیری اثرات سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی (مطالعه موردی ج.ا. ایران)، **فصلنامه نامه مفید**، دوره ۱۵، شماره ۷۵ (نامه اقتصادی)، صص ۴۰-۲۳.
- صفدری، مهدی؛ کریم، محمدحسین و خسروی، محمدرسول (۱۳۸۷)، بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی ایران، **فصلنامه اقتصاد مقداری** (بررسی‌های اقتصادی سابق).
- صمدی، علی‌حسین؛ مرزبان، حسین و اسدیان فلاحیه، کوثر (۱۳۹۱)، سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی مطالعه موردی اقتصاد ایران (۱۳۸۷-۱۳۵۰)، **مطالعات اقتصادی کاربردی ایران**، دوره ۱، شماره ۲، صص ۱۷۶-۱۴۵.

- فدائی خوراسگانی، مهدی؛ نیری، سمیه (۱۳۸۹)، بررسی تأثیر تحولات شاخص‌های منتخب فرهنگی بر رشد اقتصادی در ایران (الگوی خود رگرسیون با وقفه‌های توزیع شده ARDL)، *فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، سال اول، شماره اول.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹)، *پایان نظم*، غلامعباس توسلی، تهران، انتشارات جامعه ایرانیان، چاپ اول.
- Adeniyi O., Oyinlola, A., Omisakin, O., O. Egwaikhide F, (2015), Financial development and economic growth in Nigeria: Evidence from threshold modelling, *Economic Analysis and Policy*, Volume 47, 1-21.
- Akçomak, S. & Weel, B.(2009), "Social capital, innovation and growth: Evidence from Europe", *European Economic Review*, 53(5), P: 544–567.
- Arrow, K.(1970), "Political and Economic Development", *Journal of Economic Behavior & Organization*, 71(2), 210-220.
- Bartolini, Stefano & Sarracino, Francesco. (2014), "Happy for how long? How social capital and economic growth relate to happiness over time", *Ecological Economics* 108 (2014) 242–256.
- Baldacci et al. (2008), "Social Spending, Human Capital, and Growth in Developing Countries", *World Development*, 36(8), P: 1317–1341.
- Beugelsdijk, S & Schaik, T.V. (2005), "Social capital and growth in European regions: an empirical test", *European Journal of Political Economy*, V. 21, Issue 2.
- Chou, Y.K. (2006), "Three simple models of social capital and economic growth", *The Journal of Socio-Economics*, V. 35, Issue 5.
- Coleman, J. (1988), "Social Capital in the Creation of Human Capital", *American Journal of Sociology*, 94, 95-120.
- Feddereke, Johannes and Klitgrad, Robert(1998), "*Economic Growth and social Indicators: An Exploratory Analysis*", the university of Chicago, 755-756.
- Gadri, F.S & Waheed, A. (2014), "Human capital and economic grow: A macroeconomic model for Pakistan", *Economic Modeling*, Vol. 42.
- Gould, Eric D. & Hijzen, Alexander(2016), "Growing Apart, Losing Trust? The Impact of Inequality on Social Capital", *IMF Working Paper*, 2016 International Monetary Fund, WP/16/176.
- Hamilton, Kirk & Helliwell, John & Woolcock, Michael. (2016), "Social Capital, Trust, and Well-being in the Evaluation of Wealth", *Policy Research Working Paper* 7707.
- Knack, S. and Keefer, P.(1995), "Institution and Economic Performance: cross – country tests using alternative Institutional measures", *Economics and Politics*, 7:207-27.
- Liu, Baodong & Dennis Wei, Yehua & A. Simon, Christopher(2017), "*Social Capital, Race, and Income Inequality in the United States*", *Sustainability* 2017, 9, 248; doi:10.3390/su9020248.
- Parts, E.(2013), *The Dynamics and Determinats of Social Capital in the European Union and Neighbouring Countries*, XXI International



Conference on Economic Policy in EU States – year 2013, University of Tartu and Tallinn Technical University, Janeda, Estonia, June 27-28, 2013.

- Putnam, R.D. (2000), “Economic growth and social capital in Italy”, *Eastern Economic Journal*, Vol.21, No. 3.
- Putnam R. (1993), *Making Democracy Work: Civic Tradition in Modern Italy*, Princeton University Press, Princeton.
- Radu M., (2014), Happy for how long? How social capital and economic growth relate to happiness over time, *Ecological Economics*, Volume 108, 242-256.
- Raluca Mariana D.(2015), Happy for how long? How social capital and economic growth relate to happiness over time, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, Volume 197, 404-412.
- Hall, J. O'Mahony, B. and Viececi, J.(2010), 'An Empirical Model of Attendance Factors at Major Sporting Events', *International Journal of Hospitality Management*, Vol.29, Issue. 2, pp.328-334.
- Popov, A. (2014), “*Credit Constraints and Investment in Human Capital: Training Evidence from Transition Economies*”, Financial Research Division, European Central Bank, KaiserStr. 29, D-60311 Frankfurt, Germany.
- Putnam, R. (1993), *Making Democracy Work-Civic Traditions in Modern Italy*, Princeton University Press, 1-280
- Yamagishi, T. (1986), The Provision of a Sanctioning System as a Public Good, *Journal of Personality and Social Psychology*, 51, 110-116.